اجاره کارت‌های بانکی به مدیر سایت‌های شرط‌بندی

مردی که با اجاره دادن کارت‌های بانکی‌اش، به مدیران سایت شرط‌بندی، به کلاهبرداری آنها کمك می‌کرد، دستگیر شد. به گزارش جام‌جم، سرهنگ داوود معظمی‌گودرزی، رئیس پلیس فتای تهران در این باره گفت: ماموران پلیس فتا با رصدهای اطلاعاتی در فضای مجازی متوجه شدند که فردی کارت‌های بانکی‌اش را در اختیار مدیران سایت‌های شرط‌بندی قرار داده و به این ترتیب تعدادی افراد سودجو توانسته‌اند از حساب کاربران فضای مجازی سرقت کنند.

وی افزود: تحقیقات پلیس فتا در این باره ادامه داشت تا این‌که ماموران هویت متهم را به دست آوردند. او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و سرانجام در مخفیگاهش بازداشت شد. متهم در جریان تحقیقات پلیسی اعتراف کرد که برای کسب درآمد، کارت‌های بانکی‌اش را اجاره داده و به ازای هر کارت ماهانه مبالغی پول از صاحبان سایت‌های شرط‌بندی دریافت می‌کرده است. با توجه به اعتراف وی، پلیس فتا در تلاش برای شناسایی و دستگیری اعضای این باند است.

کل کل شبانه ۲ دختر در جاده، جان پسر ۷ ساله را گرفت

محمدیاسین، قربانی کورس مرگ

لیلا حسین‌زاده

حوادث

یک تراژدی، سراسر اندوه‌که با هیچ زبانی نمی‌توان آن را توضیح داد. از چه بنویسیم. از دو راننده خودخواهی که بی‌توجه به خطرات جاده پای‌شان را روی گازگذاشتند تا در کورسی مرگبار، جان پسر هفت ساله‌ای را به قیمت کم‌کردن روی همدیگر بگیرند. از پدری‌که حالا با شانه‌های تکیده، غم مرگ پسرکوچکش را به‌تنهایی به دوش می‌کشد و در خلوت اشک می‌ریزد؟ از مادری که با بدنی زخمی هنوز اسیر تخت بیمارستان است و خبر ندارد پسرک شیرین‌زبانش دیگر زنده نیست.

تمام دوستان و همسایه‌ها و فامیل، عزادار مرگ محمد یاسین عباسپور هستند؛ پسر کوچولویی‌که هفته قبل از پدرش می‌خواست برای تفریح از خانه بیرون بروند اما پدر آن‌قدر سرش شلوغ بود که وقتش را نداشت. چهارشنبه‌شب پدر که به خانه برگشت، محمدیاسین دوباره از پدرش خواهش کرد باهم بیرون بروند. مادر که اصرارهای پسرکش را دید، از شوهرش خواست نه نیاورد. همه سوار ماشین شدند و به پارکی در امیرکلای بابل رفتند. هنوز ۱۰ دقیقه از بازی کردن محمدیاسین نگذشته بود که به پدرش گفت توخسته‌ای و بیا به خانه برگردیم. بعد از سوارشدن، پدر باید از دوربرگردانی‌که بین جاده بابل- بابلسر قرار دارد، دور می‌زد تا به خانه برگردد. بعد از دور زدن، وارد قسمت کندرو شد و با سرعت ۷۰ کیلومتر می‌راند و محمدیاسین هم از پنجره به بیرون از ماشین خیره شده بود. پدر و مادر مشغول صحبت بودند، بی‌خبر از این‌که پیک مرگ در حال نزدیک شدن به آنان بود.

مصطفی نجمی از بستگان محمدیاسین از شب حادثه به جام‌جم می‌گوید:«در همین هنگام، ناگهان دو خودروی آزرا و ام وی ام در جاده‌ای‌که پدر یاسین مشغول رانندگی بود، با هم کورس می‌گذارند و در یک چشم برهم زدن، آزرا با سرعت ۱۸۰ کیلومتر در ساعت به‌شدت با ریوی سفیدرنگ پدر محمدیاسین برخورد می‌کند. شدت ضربه آزرا به گلگیر عقب سمت راننده ریو به حدی بود که محمدیاسین از پنجره به بیرون پرت می‌شود. شاید چند دقیقه‌ای هم زنده بوده اما بعد از مدتی تمام می‌کند. آزرا هم که از مسیر منحرف شده بود، با جدول برخورد و سپس هر دو راننده‌ام وی ام و آزرا از محل حادثه فرار می‌کنند. البته سرنخ‌هایی به‌دست آورده و آن را در اختیار پلیس قرار داده‌ایم تا آنان را شناسایی کند. از ماشین پدر محمدیاسین هیچ چیز باقی نمانده و نمی‌توان نام ماشین روی آن گذاشت.»

تلاش ناموفق برای نجات

یکی از شاهدان تصادف که گویا در محل حادثه حضور داشت، در صفحه اینستاگرام خود در مورد وضعیت محمدیاسین نوشت:«سر پسرکوچک آسیب‌دیده بود و از گوش و بینی‌اش خون می‌آمد. او را در آغوش گرفتم تا خون جلوی نفس کشیدنش را نگیرد اما خونریزی‌اش شدید بود . به او نفس دادم و با او صحبت می‌کردم تا نبضش قطع نشود، اما نبضش رفت و در بغلم جان داد. من آن لحظه پوچ شدم.»

پس از وقوع تصادف مرگبار و گزارش آن به اورژانس بابل، تکنیسین‌های پایگاه امیرکلا و کمربندی امیرکلا درکمترین زمان ممکن به محل حادثه اعزام شدند و هرسه مصدوم را به بیمارستان شهید بهشتی بابل منتقل کردند. احیای محمدیاسین با وجود تلاش‌های تکنیسین‌های اورژانس و کادر درمان بیمارستان بی‌فایده بود اما پدر و مادر برای انجام اقدامات درمانی در بیمارستان بستری شدند.

مقصران حادثه باید مجازات شوند

آن‌طور که نجمی توضیح می‌دهد، سر پدر محمدیاسین به‌دلیل جراحت بخیه خورده اما مادر در شرایط روحی و جسمی مناسبی نیست:«صورت مادر محمدیاسین به‌شدت آسیب‌دیده، لب‌ها و ابرویش ترکیده، بینی و دو دستش شکسته و قفسه سینه‌اش هم پرس شده است. او پس از به هوش آمدن، سراغ فرزندش را گرفت، اما روان‌شناسان بیمارستان به پزشکان توصیه کردند در مورد مرگ فرزندش چیزی به او نگویند، چون ممکن است با شنیدن این خبر، خودش هم از دست برود. حتی شرایط به‌گونه‌ای است‌که تصمیم داریم او را به خانه‌اش نبریم. آنها به‌جز محمدیاسین که فوت شد، یک دختر دیگر هم دارندکه ازدواج کرده است.»

مراسم ختم محمدیاسین دل تمام اهالی روستا را به درد آورده است. با این‌که پدر از اهالی خواسته بود به دلیل شیوع کرونا به مراسم عزای پسرش نیایند، اما آنها حاضر نشدند پدر را تنها بگذارند:«پدر محمدیاسین هم شرایط خوبی ندارد و ازنظر روحی بسیار آشفته است. به‌دلیل انجام کاری می‌خواستم به تهران برگردم، اما دامادش گفت کنار او بمانم. صبح او را به مزار پسرش بردم و به او گفتم خودت را خالی کن. پدر می‌گفت موقع برگشت به خانه، وقتی بوق می‌زدم، بچه‌ام از دیدنم خوشحال می‌شد و دستم را می‌بوسید. می‌دانید، دیدن زجر و درد یک پدر بر مزار پسر، دل‌سنگ را آب می‌کند، چه برسد به آدم. به گفته بعضی‌ها در مراسم چند غریبه هم حضور داشتند که گویا دایی و پدر مقصر این حادثه بودند. به‌نظر می‌آید آمده بودند شرایط را بررسی کنند تا با پرداخت دیه، پدرمحمد یاسین را آرام کنند، اما از او خواستم شکایت‌کند تا دیگر چنین افرادی جرأت نکنند چنین بلایی را بر سر خانواده دیگری بیاورند.»

دو راننده ام وی ام و آزرا پس از تصادف با خودروی ریو و مرگ پسر بچه از محل حادثه فرار کردند

افزایش قربانیان زلزله در ترکیه

همزمان با عملیات آواربرداری در مناطق زلزله‌زده ازمیر و ساموس یونان تعداد قربانیان به ۳۵ نفر افزایش پیدا کرد. بیش از ۸۰۰ نفر هم در این زمین‌لرزه مصدوم شدند.

به گزارش جام‌جم، این زمین‌لرزه که به بزرگی ۷ ریشتر بود، عصر جمعه نهم آبان امسال در دریای اژه رخ داد و ازمیر ترکیه را لرزاند. این زلزله در بخش‌هایی از یونان نیز احساس شد. نیروهای امدادی در یونان و ترکیه به آماده‌باش کامل درآمدند و در تلاش برای نجات مردم از زیر آوار هستند. ۲۵ نفر در ترکیه و دو نفر که دختر و پسر نوجوان بودند در جزیره ساموس یونان فوت شدند. ساختمان‌های زیادی در ازمیر ترکیه آوار و به تلی از خاك تبدیل شدند.

بنابر اعلام مرکز مدیریت و بلایای ترکیه، بیش از ۸۰۰ نفر در این زلزله مصدوم شده‌اند. تعدادی از آنها توسط تیم‌های امداد و با کمك تجهیزات حفاری نجات پیدا کردند. این در حالی است که نیروهای امدادی بیش از ۱۰۰ نفر را تاکنون از زیر آوار زنده نجات داده‌اند. این نیروها به کمك سگ‌های زنده‌یاب در جدیدترین عملیات نجات توانستند زن ۶۲ ساله که ساعت‌ها زیر آوار ساختمان خانه‌اش گرفتار شده بود را به‌طور معجزه‌آسا زنده از دل آوار بیرون بیاورند.

همچنین ۴۰۰۰ نیروی امداد و نجات همراه ۲۰ سگ زنده‌یاب در محل‌های زلزله‌زده حاضر شدند و در تلاش هستند تا بتوانند افراد گرفتارشده در زیر آوار رانجات دهند.

عملیات امداد و جست‌وجو در میان آوارهای ۱۷ ساختمان ادامه‌دارد که چهار ساختمان به‌طور کامل تخریب شده است.

انگیزه مرموز مادر برای قتل پسر ۸ ساله

ماجرای قتل پسر هشت‌ساله به دست مادرش در خرابه‌ای در شرق تهران، با کشف سرنخ‌هایی وارد مرحله تازه‌ای شد. عامل این قتل که خودزنی کرده، همچنان در کماست.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۱۴و ۳۰ دقیقه جمعه نهم آبان امسال چند نفر از اهالی خیابان دماوند تهران، صدای جیغ و فریاد شنیدند. آنها رد صدا را گرفته و متوجه شدند صدا از چهاردیواری مخروبه‌ای است. ماموران کلانتری نامجو و اورژانس که به آنجا آمدند، مشاهده کردند پسر هشت‌ساله براثر ضربه‌های سنگ به سرش و بریدگی تیغ روی گردنش، به قتل رسیده و زنی که در چند قدمی او افتاده و مرتکب قتل بچه شده، با همان تیغ ضربه‌ای به گردنش زده تا به زندگی‌اش پایان دهد.

ماموران از اهالی تحقیق کردند که معلوم شد کسی این زن و پسر را نمی‌شناسد و نمی‌دانند چرا این جنایت رخ داده است. ماموران در بررسی اطراف محل جنایت، کیف زنانه‌ای یافتند که در آن برگه‌هایی از جمله یك توافق‌نامه دستنویس بود. در برگه توافق‌نامه حضانت این بچه به مادرش سپرده شده بود و پدرش حق نداشت سراغ او بیاید.

پرونده‌ای در این‌باره در دادسرای جنایی تهران تشکیل شد و ماموران در بررسی مدارك به دست آمده از کیف زن جوان، توانستند ردی از هویت پدر خانواده به دست آورند. بنابراین با هماهنگی قضایی قرار شد که پدر مقتول برای رازگشایی انگیزه زن سابقش از این جنایت، به اداره دهم پلیس آگاهی تهران احضار و مورد تحقیقات قرار گیرد. این درحالی است که عامل جنایت هنوز در بیمارستان و در کماست و پزشکان در تلاش برای نجات او از مرگ هستند.

قاتل وحید مرادی، برای قتل اولش رضایت گرفت

عامل جنایت محله بی‌سیم در حالی بعد از چهار سال توانست رضایت خانواده مقتول را جلب کند که هنوز در ارتباط با پرونده قتل وحید مرادی با مجازات قصاص روبه‌رو است.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، مرد اعدامی ۳۳ ساله سعید نام دارد. او شامگاه سیزدهم بهمن سال ۹۵ در محله بی‌سیم تهران با شلیك گلوله فردی ۴۷ ساله را به قتل رساند و دوست مقتول نیز زخمی شد. متهم و همدستش تحت تعقیب پلیس تهران قرار گرفتند و چند روز بعد در شهر دیگری بازداشت شدند. شواهد نشان می‌داد که او و همدست بازداشت‌شده‌اش از اشرار سطح یك منطقه بی‌سیم هستند. همچنین در تحقیقات بعدی معلوم شد که سعید در شهرستان لاهیجان از یك طلافروشی سرقت مسلحانه کرده و همدستش نیز هفت سال قبل مرتکب قتل شده و در زندان با گرفتن رضایت از اعدام نجات پیدا کرده و آزاد شده است.

ماموران از سعید و همدستش بازجویی کردند. سعید مدعی بود که در آن دعوا سلاح نداشته، اما همدستش اعتراف کرد که مرد میانسال را سعید با شلیك گلوله کشته است. دو متهم روانه زندان رجایی‌شهر کرج شدند و مدتی بعد در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شدند. اما سعید دوباره منکر قتل شد و گفت: نیمه مهر سال ۹۵ بود که همراه تعدادی از دوستانم در مراسم عزاداری شرکت کرده بودیم. مقتول و همراهانش به خاطر قدرت‌نمایی با ما درگیر شده و مشاجره لفظی کردیم. بعد از آن دعوا به خانه‌های‌مان بازگشتیم. شب جنایت دوست مقتول با قمه دوست مرا زخمی کرد و کمر او ۹۰ بخیه خورد. برای انتقام با دوستم به مقابل خانه مقتول رفتیم. او با دوستانش در خیابان بودند، دعوا و درگیری بالا گرفت و معلوم نشد چه کسی او را با شلیك گلوله کشت.

اما همدست متهم، سعید را به عنوان قاتل معرفی کرد. این در حالی بود که شاهدان نیز سعید را به عنوان قاتل معرفی کردند. قضات دادگاه حکم به قصاص وی و حبس برای همدستش دادند. حکم قصاص مرد زندانی در دیوان عالی کشور تایید و به اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارسال شد. او در حال گذران حبس خود در زندان رجایی‌شهر کرج بود که وحید مرادی را بهار ۹۷ در جریان درگیری در زندان به قتل رساند.

سعید در دادگاه کیفری یك استان تهران محاکمه و حکم قصاص گرفت. درحالی که او در یك قدمی تایید این حکم قرار گرفته بود، چند روز پیش خانواده‌اش توانستند از خانواده مردی که سعید او را در محله بی‌سیم به قتل رسانده بود، باپرداخت دیه رضایت بگیرند. این در حالی است که سعید به اتهام قتل وحید مرادی همچنان با مجازات مرگ روبه‌رو است.

مرد همسرکش از سوی فرزندانش بخشیده شد

مردی که پس از قتل همسرش با جسد او به مسافرت رفته بود از سوی فرزندانش بخشیده شد. متهم به زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می شود.

به گزارش خبرنگار جام جم، صبح روز دهم اردیبهشت امسال مردی جوان وارد یک کلانتری در شهرستان دزفول شد و وقتی مقابل افسر نگهبان نشست، گفت: «من همسرم را به قتل رسانده‌ام و جسد او الان داخل ماشینم است.» افسر نگهبان که از شنیدن این جمله‌ها متعجب شده بود از مرد جوان خواست تا روی صندلی بنشیند و ماجرا را برای او کامل توضیح دهد. فرهاد در ادامه صحبت‌هایش گفت: با همسرم درگیر شدم و او را با ضربات چاقو به قتل رساندم. به‌دنبال اظهارات مرد ۳۴ساله مأموران پلیس شهرستان دزفول سراغ خودروی پژو فرهاد رفتند. همان‌طور که مرد جوان ادعا کرده بود، جسد همسرش روی صندلی و زیر پتویی قرار داشت.

زن جوان با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود و از زمان مرگش بیش از ۱۲ ساعت می‌گذشت.

با توجه به قتل این زن در تهران، پرونده به دادسرای جنایی تهران انتقال یافت و متهم در جریان بازجویی ها به بازپرس جنایی گفت: خشم آنی باعث این جنایت شد. قبل از عید به خاطر بیماری کرونا همسر و دو فرزندم را نزد خانواده‌ام در دزفول بردم. بعد خودم به تهران برگشتم. چند هفته بعد دوباره به دزفول آمده و همراه همسرم و دختر بچه‌ام برگشتیم. چند روز تهران بودیم اما همسر و فرزندم به شمال رفتند. شب قبل از جنایت با من تماس گرفت و خواست به دنبالش بروم. به آنجا رفتم و با سوارکردن همسرو دخترم به سمت تهران راه افتادیم. صبح حوالی اتوبان بسیج تهران داخل خودرو دعوایمان شد. تهدید می‌کرد که باید طلاقش دهم. خیلی عصبانی بود و کمی قرص خورد. بعد یک دفعه چاقویی را از کیفش بیرون آورد و سمتم گرفت و می‌گفت باید طلاقش دهم. در این درگیری و کشمکش خواستم چاقو را بگیرم که نشد و با اصابت ضربه‌هایی به بدنش فوت کرد.

پس از تکمیل تحقیقات، دختر نوجوان مقتول، پدرش را بخشید. این در حالی است که پدر متهم به عنوان قیم فرزند خردسال مقتول، پسرش را بخشید، اما دیگر اولیای دم شکایت خود را مطرح کردند.

پرونده این جنایت با صدور کیفرخواست برای محاکمه به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

کوتاه از حوادث

مسؤول برگزارکننده یک مراسم عروسی در نی‌ریز و اعضای دو خانواده در مراسم عروسی در لرستان بازداشت شدند. این مراسم عروسی در روستای ریزآب شهرستان نی‌ریز استان فارس، با توجه به نبود مجوز مراسم و رعایت نکردن مصوبات ستاد مقابله با کرونا برگزار شده بود. بنابراین مسؤول برگزارکننده مراسم عروسی به دستور مقام قضایی بازداشت و روانه زندان شد. این درحالی بود که اعضای دو خانواده در شهرستان پلدختر با توجه به اعمال محدودیت‌های کرونایی اقدام به برگزاری مراسم عروسی و تجمع کرده بودند که بازداشت شدند.

نیروهای امدادی هلال احمر نیشابور هفت نفر گرفتار در ارتفاعات برف‌ریز را نجات دادند. شامگاه جمعه نهم آبان امسال، نیروهای امدادی هلال احمر مطلع شدند که هفت نفر در ارتفاعات برف‌ریز نیشابور گرفتار شده‌اند. بررسی‌ها نشان داد دو کودک و دو زن در این گروه حضور دارند. آنها برای طبیعت‌گردی رفته بودند که به‌دلیل تاریکی هوا در دره‌ای معروف به دره عزرائیل راه را گم کرده و امکان ادامه مسیر را نداشتند. نیروهای امدادی به محل اعزام شدند و عملیات نجات را آغاز کردند و توانستند این هفت نفر را نجات دهند.

جسد کودک گمشده اشکذری در کنار رودخانه میل‌سفید کشف شد. چند روز پیش این پسر هشت ساله به نام دانیال در شهرستان اشکذر ناپدید شد. خانواده‌اش وقتی موفق به یافتن وی نشدند به پلیس آگاهی رفتند و ماجرای گم شدن فرزندشان را اطلاع دادند. پلیس و نیروهای امدادی در تلاش برای یافتن وی بودند تا این‌که با گذشت دو روز از ماجرا، ساعت ۱۴ ظهر جمعه نهم آبان امسال جسد او که کنار رودخانه میل‌سفید افتاده بود، پیدا شد. پیکر وی با هماهنگی قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد. تحقیقات برای رازگشایی از مرگ مشکوک او ادامه دارد.

مرد مسلحی که شبانه در پیشوا تیراندازی کرده بود در کمتر از شش ساعت دستگیر شد. بعد از حادثه این تیراندازی در پیشوا بود که ماموران تحقیقات را در این باره آغاز کردند. در جریان تحقیقات رد مرد تیرانداز به دست آمد و او بعد از فرار شش ساعته بازداشت شد. با تحقیق از متهم معلوم شد که او به خاطر اختلاف مالی، اقدام به تیراندازی در خیابان کرده است تا طرف مقابل را بترساند.
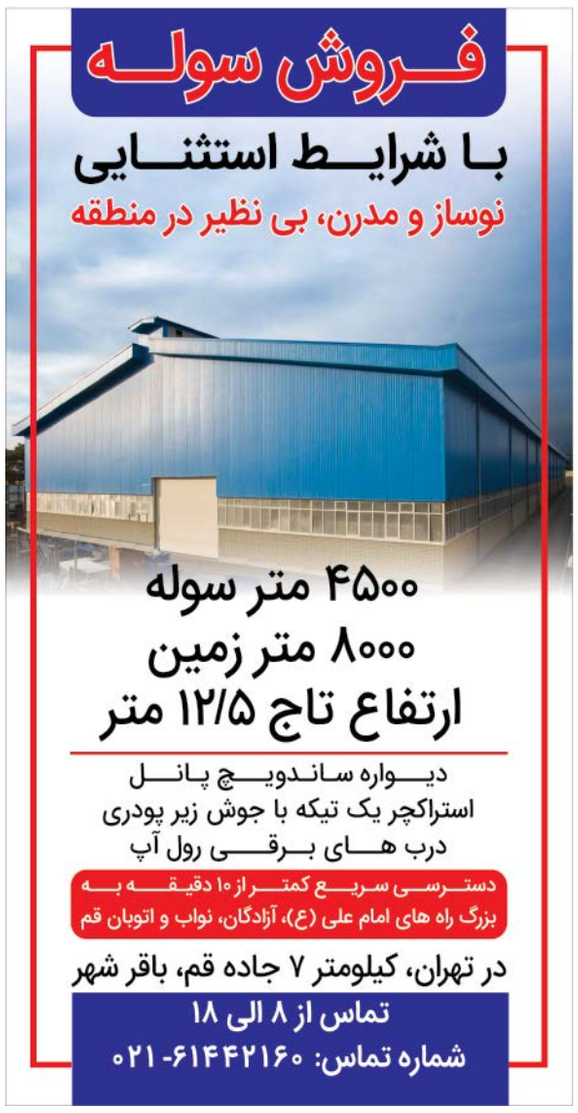
عاملان قتل زن جوان در شهرستان اندیمشک که تحت تعقیب پلیس بودند، بازداشت شدند. این زن با شلیک گلوله سلاح جنگی از سوی سرنشینان یک خودروی سواری در یکی از خیابان‌های شهرستان اندیمشک به قتل رسید. تحقیقات پلیسی برای دستگیری عاملان این جنایت ادامه داشت تا این‌که ماموران شامگاه جمعه ۹ آبان امسال، مخفیگاه متهمان را که سه نفر بودند، شناسایی و آنها را بازداشت کردند. متهمان دیروز در جریان تحقیقات اعتراف کردند به خاطر اختلافات خانوادگی دست به این قتل زده‌اند. تحقیقات از آنها برای کشف سلاح به کار رفته در این جنایت ادامه دارد.